

مکانیسم مبارزه با مفاسد اقتصادی
شبکه ای در اقتصاد ایران

www.ketab.ir

نویسنده :

افشین مداح

سرشناسه : مداح، افشین، ۱۳۶۶ -
عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور : مکانیسم مبارزه با مفاسد اقتصادی شبکه‌ای در اقتصاد ایران / نویسنده افشین مداح.
مشخصات نشر : تهران: برتراندیشان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۳۷۲ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۷۸-۵۳-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه:ص. ۳۷۱.
موضوع : فساد—ایران—جنبه‌های اقتصادی
موضوع : Corruption—Economic aspects—Iran
موضوع : فساد—قوانین و مقررات—ایران
موضوع : Corruption—Law and legislation—Iran
موضوع : امور مالی—ایران—فساد
موضوع : Finance—Corrupt practices—Iran
موضوع : پول‌شویی—ایران—جنبه‌های حقوقی
موضوع : Money laundering—Iran—Legal aspects
موضوع : پول‌شویی—قوانین و مقررات—ایران
موضوع : Money laundering—Law and legislation—Iran
موضوع : حقوق—ایران
موضوع : Law—Iran
رده بندی کنگره : ۱۵۲۵JF
رده بندی دیویی : ۴۶۹۵۵/۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی : ۵۷۲۱۰۶۶

مکانیسم مبارزه با مفاسد اقتصادی شبکه‌ای در اقتصاد ایران

نویسنده: افشین مداح

ناشر: برتراندیشان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۷۸-۵۳-۹

ویراستار: شیدا قناتی

صفحه آرا: اصغر جوزی پور

طراح جلد: مهسا قربانی لیسار

شمارگان: ۵۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

قیمت: ۴۰۰۰۰۰۰ ریال



تهران-میدان انقلاب-کارگر جنوبی-شهدای زاندارمیری پلاک ۱۱۷ واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۱۹۵۱۹-۰۹۳۶۳۰۵۹۶۰۰

۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۳	چکیده کتاب
۱۵	ساختار کلی کتاب
۱۷	بخش اول حقوق
۳۵	بخش دوم اقتصاد
۴۳	فصل اول پولشویی و روش های مقابله با آن
۸۹	فصل دوم مفاسد اقتصادی قبل انقلاب
۱۳۱	فصل سوم مفاسد اقتصادی بعد انقلاب
۱۳۵	فصل چهارم مفاسد اقتصادی در کشورهای دیگر
۱۷۱	جمع بندی
۱۷۳	بخش سوم مکانیسم مبارزه با مفاسد اقتصادی شبکه ای در اقتصاد ایران
۱۷۵	فصل اول لیست ۱۹ موردی مفاسد اقتصادی
۲۰۹	فصل دوم پندار عمومی
۲۱۴	ضررهای مفاسد اقتصادی
۲۱۵	فصل سوم شروع داستان
۲۲۳	عکس العمل من
۲۲۵	سناریوی تیم مذکور
۲۲۹	لحظه بینش
۲۳۳	برداشت ۳ میلیارد
۲۳۷	روز معامله
۲۴۰	صیاد در دام
۲۴۷	فصل چهارم ۱۳۷
۲۵۳	فصل پنجم درک حقیقت
۲۵۹	فصل ششم ستون پنجم
۲۶۳	فصل هفتم طبقه بندی فساد
۲۶۷	ریشه های فساد فردی

۲۶۹	ریشه های فساد گروهی
۲۷۱	فصل هشتم اوین
۲۷۹	۲ طبقه فصل نهم
۲۷۹	مکانیسم تیم "ح.ق.ف"
۲۹۳	گزارش رسمی فساد و اختلاس
۲۹۵	داستان جالب
۲۹۹	فصل دهم پولشویی
۳۰۱	تعریف پولشویی
۳۰۳	انواع پولشویی
۳۰۵	انواع روش های پولشویی
۳۱۵	مکانهای ماسک پولشویی
۳۱۷	مراحل عملیات پولشویی
۳۱۹	ویژگی های جرم پولشویی
۳۲۱	آثار و تبعات منفی حاصل پولشویی
۳۲۳	رابطه جرم پولشویی تأمین مالی تروریسم
۳۲۵	انواع روش های مبارزه با پولشویی
۳۲۹	فصل یازدهم داستان من
۳۳۳	فصل دوازدهم علت و معلول
۳۴۱	فصل سیزدهم راه حل ۴ بخشی
۳۵۵	فصل چهاردهم سخن آخر
۳۵۹	فصل پانزدهم مثال ها
۳۶۳	فصل شانزدهم ۱۱ روز
۳۷۱	منابع

پیشگفتار

کتابی که پیش روی شماست حاصل تجربه عملی اینجانب در مبارزه با فساد اقتصادی شبکه ای می باشد. این کتاب از دو قسمت عمده تشکیل شده است. قسمت حقوقی و قسمت اقتصادی. به علت علاقه بسیار برای مبارزه با مفاسد اقتصادی شبکه ای در اقتصاد ایران علاوه بر کارشناسی اقتصاد که در دانشگاه تهران گذرانیدم، در حال حاضر رشته حقوق را در حال تحصیل هستم تا بتوانم تعهدی را که به کورم دارم با تخصص همراه نموده و این دو عنصر را در جهت خدمت به ملت به کار گهم. مرز و بوم ما خون شهدای بسیاری به خود دیده تا بتواند استقلال و آزادی خود را حفظ کند. روا نیست عده ای خبیث و حریص بتوانند با نفوذ در بدنه برای و سران ها بیت المال آن را به غارت ببرند و خود را زرنگ و رند به حساب آورند. هر یک از ما باید جان و مال و وقت خود را بگذاریم برای مبارزه با سیستم فساد آنها را. ما هم از اهداف حقیر خود چشم پوشی نمی کنند و دست از تلاش بر نمی دارند. ما هم برای مبارزه با آنها نباید لحظه ای خستگی و شکست و تسلیم را بپذیریم. همه ما مسئولیم. مهم نیست سمت ما چیست و جایگاه ما کجاست. مهم این است که هر کسی هستیم ذره ای در خود مسئولیت احساس کنیم و جلوی هر خائنی را که به شکل خادم در لباس خدمت خیانت می کند بگیریم. شهدا همین هدف را داشته اند. پس خون خود را هدیه نکرده اند که من و شما امروز بی تفاوت بنشینیم و برای آن مهر نباشد که چه در میهنمان می گذرد. لازم است با احساس وظیفه اقدام و اعلام کنیم و جلوی هر خائن و فاسد و مفسدی را بگیریم. نگوید نمی توانیم. این کلمه، می است. مثل یک بذر است. با گفتنش آن را در مغز خود کاشته اید. با تکرارش آن را آبیاری کرده اید. همین طور این بذر جوانه می زند و رد می کند و درختی تنومانی می گردد و میوه می دهد. از میوه های درخت نمی توانم تغذیه کنید و با کلمه نمی توانم رشد می کنید. دانه های این میوه کم کم کل فضای مغزتان را می پوشانند و تبدیل به جنگل ناتوانی در مغزتان می گردد. در این جنگل تنفس می کنید و تغذیه می کنید. دیری نمی گذرد که کل ریه تان از گازهای سمی نمی توانم پر شد. در این هنگام است که فلج می شوید. فقط می توانید بر روی ویلچر

خود بنشینید و به زمین و زمان و خادم و خانن فحش و ناسزا دهید. علت این که فحش می دهید دقیقاً احساس ناتوانی ای می باشد که از عمق وجودتان حسش می کنید. آدم توانمند فحش نمی دهد. عمل می کند. و از عمل ها و اقداماتش لذت می برد. باشد که با گفتن کلمه می توانم تحولی در سیستم اداری کشور خود به وجود آوریم. سرگذشت و سرنوشت همه ما انسانها به اقتصاد مربوط است. اقتصاد در دنیا و آخرت ما گره خورده است. چه بسا انسانهایی که به خاطر فقر به فساد و فحشا کشیده می شوند و چه بسیار انسانهایی که به خاطر ثروت فراوان به عیانی و عصیان می افتند و زمین را به فساد و زمان را به تباهی می کشند. در این ریشه اصلی فساد های همه زمان ها و مکان ها اقتصاد و ریشه های آن است. اگر اقتصاد هر جامعه ای با مفهوم عدالت اقتصادی همراه و نهادینه شود می تواند باعث رشد و تعالی و سعادت انسانها شود. استعداد های افراد و توانمندی ها و قابلیت های آنها را مستعد به شرایط اقتصادی فردی و شرایط اقتصادی جامعه شان است. مثلاً اگر در جامعه ای بر روی رشد علمی سرمایه گذاری شود. و به دانش پژوهان آن جامعه به اندازه کار و سواد سرمایه داده شود. تا هم خیالشان راحت باشد از نیازهای اساسی در زندگی شان و سرمایه لازم و کافی برای سرمایه گذاری روی ایده هایشان داشته باشند. آنچه که حاصل می شود این است که: دانش پژوه با یافتن علوم جدید و ساختن صنایع جدید و فنون نوین هم به خود و هم به جامعه اش خدمت می کند تا جامعه با یک قدم جلوتر برود و جامعه نیز چندین برابر سرمایه گذاری ای که انجام داده است از علم و فنون نوین بهره مند می کند. ولی اگر در جامعه ای روی علم و صنعت سرمایه گذاری نشود دانش پژوه آن جامعه با دستان خالی بدون سرمایه چه می تواند بکند؟ او هنوز در نیازهای اولیه اش دست و پا می زند آیا بعد از مسافركشی و کالسی و مشاغل کاذب فرصت کافی برای ایده پردازی و کارهای علمی دارد؟ نتیجه چه می شود؟ انسانی که می توانست خاص و چشمگیر برساند در گیر چنان پسرفتی می شود و تبدیل به انسانی که باید تمام هم و غمش را صرف این کند که چگونه از ماشین اقتصاد جامعه و موتور تورم جا نماند. تفاوت زیادی در این دو نوع انسان است: دانش پژوهی که فکر و قدم و

عملش ، ماشین صنعت و علم جامعه را جلو می برد و صنعت از پی او دوان به سمت پیشرفت می رود و دانش پژوهی که تمام افکار و اعمال و اقداماتش صرف این می شود که از ماشین اقتصاد جامعه عقب نیفتد . این تفاوت هم در زندگی فردی این دانش پژوهان است و هم تاثیراتش به صورت وسیع و عمیق در جامعه . خیلی از عناصر مهم که در زندگی انسان نقش مهمی ایفا می کنند سوار بر ماشین اقتصاد هستند . مثل علم و دین و فرهنگ و هنر و صنعت . همه و همه با اقتصاد رابطه ای گانگ دارند . حال اقتصاد جامعه به دو صورت می تواند اظهار وجود کند . برگذاری داشته باشد : یا به شکل همراهی با عدالت اقتصادی و توسعه اقتصادی یا به شکل تبعی با فساد و بیکاری و تورم و عدم وجود مفاهیم پایه ای عدالت اقتصادی . توسعه اقتصادی . یکی از مهم ترین عناصری که مانع عدالت اقتصادی می باشد و مردم ناسد اقتصادی در جامعه است . هر قدر این مفاسد وسیع تر باشند به همین راتب عدالت اقتصادی دایره ای تنگ تر می یابد و به تبع آن توسعه تبدیل به ضد توسعه می شود و در نتیجه انسانهای بلند پرواز یک جامعه تبدیل به انسانهای سینه خیز می شوند . ازم و ضروری است که این چرخه و سیکل معیوب با از بین رفتن فساد اقتصادی جفت شود تا بتوانیم با اقتصادی سالم جامعه ای سالم بسازیم و به وسله آن توانیم بالقوه هایمان را بالفعل کنیم . هر کدام از ما چه یک نفری و چه در گروه وظیفه داریم برای برپایی حقیقت و عدالت نهایت تلاش خود را به کار ببریم . چه قدمی محسوب می شود و چه قدمی نامحسوس و کوچک و در ظاهر ناچیز باید همگی مان دست در هم فرای از هر مرز نژادی و دینی و جناحی اقتصاد خود را از دست این دمار رها نریم و جمعیت نجات دهیم .

